

میدون و سوفیا

کمین رفتن جوانان به ژاپن



✎ **پوریا عالمی**

● «معاون رئیس جمهور، با اشاره به کاهش صادرات نفت و درآمدهای ارزی از بخش خصوصی خواست ارزهای خود را برای ایجاد تحول اقتصادی در داخل کشور هزینه کنند».

می‌دانی چرا سوفیا؟

چون کارها را باید قسمت کرد! بخش خصوصی مثل اسب که حیوان نجیبی است جان بکند و کار کند و ارز و دلار و یورویش را بیاورد داخل کشور خرج کند، بعد آقازادگان عزیز ما و برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها و دامادهای آقایان عزیز-ما، ارز دولتی و بیت‌المال را ببرند خارج، ویلا و ماشین بخرند یا سرمایه‌گذاری کنند. ولله آدم بغض می‌کند سوفیا!

کجای دنیا کارها این طوری حساب‌وکتاب دارد؟

همین دیگر سوفیا!

حالا که دولتی‌ها عقلشان را ریختند روی هم و فهمیدند بخش خصوصی که به دلیل تصمیمات دولتی به خاک سیاه نشسته، باید بار دولت را هم به دوش بکشد، ببینید ما جوان‌های ایرانی مثل قدیم بروسیم ژاپن مثل اسب که حیوان نجیبی است کار کنیم! بعد پولش را هم بفروستیم ایران که به‌عنوان رانت بدهند آقازاده‌ها ببرند خارج هر کاری دوست دارند باماش بکنند.

خبر

شکایت‌ها از خبرنگاران پس گرفته شود

● وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در توییتی که به مناسبت روز خبرنگار منتشر کرد، تاکید کرد هر شکایتی از خبرنگاران توسط مسئولان ما باید پس گرفته شود.

متن کامل توییت شریعتمداری به این شرح است: خبرنگاران امروز با پذیرش مخاطرات در خدمت مردم هستند. محیط آزاد و قانونمند شرط لازم برای ایفا نقش سازنده آنهاست. آنها بزرگ‌ترین شرکای اجتماعی ما و رکن مهم ایجاد شفافیت‌اند. کار حرفه‌ای آنان نباید با محدودیت مواجه و هر شکایتی از خبرنگاران توسط مسئولان ما باید پس گرفته شود. روز خبرنگار مبارک

تجربه دیگران

لاکچری‌بازی از نوع کراهی

● **فرارو:** کره شمالی یک مرکز خرید لوکس را در پیونگ‌یانگ افتتاح کرده که با وجود تحریم‌های سازمان ملل در آن برندهای مشهور دیده می‌شود. این مرکز خرید که درونگ Daesong نام دارد، به‌تازگی در پایتخت کره شمالی کار خود را آغاز کرده است و تصاویر منتشرشده از داخل این مرکز حاکی از فروش محصولات آدیداس، نایکی، تسوت، رولکس، فیلا و... است. با وجود اینکه کره شمالی از سال ۲۰۰۶ و پس از نخستین آزمایش هسته‌ای خود از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد تحریم شد و هرگونه استفاده، خرید و انتقال مواد، ملزومات، تجهیزات و تکنولوژی که منجر به توسعه برنامه موشکی این کشور شود، محدود شد، محصولات ارائه‌شده در این مرکز خرید تعجب بسیاری را برانگیخته است.

بالاین‌حال کره شمالی یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری چین است و بعید نیست که بخشی‌از محصولات این مرکز از چین وارد خاک کره شمالی شده باشد. یک احتمال نیز وجود دارد که این محصولات اصل نبوده و چین از روی برند اصلی آن را ساخته باشد که احتمال تضعیفی است. این کالاها اصل باشند یا تقلبی، تصاویر اثبات می‌کند که تقاضا برای تجملات غربی در بین بخشی‌از مردم کره شمالی وجود دارد و این خلاف ایدئولوژی این کشور درباره ملی‌گرایی است. از دیگر محصولاتی که در فروشگاه و مرکز خرید درونگ به چشم می‌خورد، لوازم برقی شامل سونی، زیمینس و پاناسونیک است. مارکوس بل، یک کارشناس مسائل کره شمالی از دانشگاه شفیلد، با طرح این سؤال که چگونه رژیم کیم سیاست خود را با مارک‌های کران قیمت



آشتی داده است، گفت: فروشگاه درونگ مقادیر درخور توجهی از کالاهایی که تحت تحریم سازمان ملل هستند، ارائه داده است. اکثر افرادی که برای خرید به این فروشگاه مراجعه می‌کنند، از وضعیت معیشتی خوبی برخوردار هستند و شهروندان معمولی بعید به نظر می‌رسد حتی از این فروشگاه بازدید کنند. این کارشناس گفت: آیا خرید محصولات آمریکایی خیانت به حزب و کشور نیست؟ آیا قرار است گشایش اقتصادی یکی از بسته‌ترین کشورهای جهان را مشاهده کنیم؟ رسانه‌های دولتی می‌گویند این مرکز خرید به دست معماران برتر کره شمالی ساخته شده است.

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۸ • ۸ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ • ۱۰ آگوست ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۹۷ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۱۹ • اذان صبح فردا ۴:۰۶ • طلوع آفتاب ۶:۰۲

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

اولکسی کاستوفسکی



رسانه

ایستادگی در برابر انحطاط

موسیقی ایرانی را هم درنور دیده و تقریباً روزی نیست که خواننده‌ای جدید سر برنیابود و اثری «فیک» و متاثر از آثار «فاخر» موسیقی ایران را «تکرار» نکند. رمز ابتدال هم دقیقاً در همین «تکرار» نهفته است. تکرار امر پوچ؛ تکراری که هیچ تفکری را برنمی‌انگیزد و فقط «هست» که «باشد»! ازاین‌رو هم هست که با قاطعیت می‌توان گفت ابتدال ریشه «انحطاط» است؛ انحطاطی که همه شئون جامعه را به خود درگیر کرده و گویی راه گریزی هم از آن نیست. تئاتر و هنرهای تجسمی هم از دیگر حوزه‌هایی هستند که هرکدام کامیابش درگیر مفهوم «ابتدال» هستند. کافی است شب‌ها به تئاترهای چند صد هزار تومانی سری بزنید و جمعه عصرها «گالری‌گردی» کنید تا نشانه‌های ابتدال را در این دو هنر سابقاً فاخر بهتر درک کنید! البته هستند بسیاری که بر این باورند تا وقتی آثار مبتذل به‌اصطلاح «مخاطب» دارند و «مردم» آنها را دوست دارند، منتقدان آب در هاون می‌کوبند و قصدشان فقط «تحقیر» مردمان است؛ اما یادشان می‌رود که بگویند چه شد که مردم این‌گونه شدند؟ یا اگر مردم این‌گونه شده‌اند، آیا باید دست روی دست گذاشت و کاری نکرد؟ در پاسخ به این گروه باید تماماد ایستاد و با صدای بلند پرسید که چه فیلم‌هایی تولید کرده‌ایم یا چه موسیقی‌هایی پخش کرده‌ایم که چشم‌ها و گوش‌ها و سلیقه‌ها تا این حد مبتذل شد؟ مشکل «مردم» نیستند! مشکل، تکرار امر پوچ است که خوب از عهده‌اش برآمده‌اند. دست‌کم تاکنون که این‌گونه بوده، اما دست روی دست نگاه‌کردن به سرد سینماها شرم می‌کند. استثناها را اگر کنار بگذاریم، جریان مسلط آن‌قدر حرفه‌ای سینماها را فتح کرده که به نظر نمی‌رسد به این زودی‌ها سینمای جدی و روشنفکری بتواند راهی به مخاطب بدنه پیدا کند. موسیقی هم از همین قاعده پیروی می‌کند. در همین روزها اگر به بیلبوردهای شهری نگاه کنید و آگهی‌های کنسرت‌های پیش‌رو را ببینید، به این سخن بیشتر پی خواهید برد. در واقع در سال‌های اخیر، ابتدال،

زیر آسمان

بیرون‌کردن نماینده

دلی‌میل: پارلمان کنیا از یکی از نمایندگان زنی که به‌همراه فرزند پنج‌ماهه‌اش به پارلمان آمده بود، درخواست کرد که ساختمان پارلمان را ترک کند. در پی این اقدام سایر نمایندگان زن به نشانه همبستگی با این همکار خود، پارلمان را ترک کردند. زلیخا حسن که فرزند پنج‌ماهه‌اش را با خود به پارلمان آورده بود، گفته است که به‌دلیل وضعیت اضطراری‌ای که در خانه فرزندش در جلسه پارلمان شرکت کند.

خبر

سرزده: از نوع شهردار پایتخت

معاون وزیر و رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران نیز میهمان «شرق» بود



اجرای دولت الکترونیک

تعطیلی روز جمعه سبب نشد میهمانی‌های روز خبرنگار تعطیل شود. «شرق» دیروز هم میزبان میهمانانی بود که برای تیریک این روز به تحریریه روزنامه آمدند. امیر ناظمی‌اشنی معاون وزیر و رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران با همراه مدیر و اعضای روابط عمومی خود جمعه را برای بازدید از «شرق» انتخاب کرده بود و مجموعه‌ای از پیشنهادات خود را برای بهبود کیفیت حضور در فضای مجازی به مدیرمسئول «شرق» ارائه داد. در این جلسه صحبت‌ها به موضوع پراهمیت اجرای دولت الکترونیک و سنگاندازی‌هایی که رانت‌جویان مقابل آن دارند هم کشید. هرچند تحلیلگران می‌گویند برای ازین‌بردن فساد، یکی از اصلی‌ترین راه‌ها ایجاد دولت الکترونیک است اما گایه‌های ناظمی از مانع‌تراشی‌های منفعت‌طلبان مقابل اجرای این قانون، حکایت از عصبی‌بودن خیال تحقق این قانون داشت. ابعاد گسترده اثرگذاری دولت الکترونیک که حتی تا ماجرای کارت سوخت هم کشانده شده است؛ سبب شد قول گفت‌وگویی مفصل را از معاون وزیر ارتباطات بگیریم که در روزهای آینده انجام خواهد شد.

بیانیه

امید به ایجاد امنیت حرفه‌ای

سال از تأسیسش گذشته، گفته است: «به این راحتی نیست که وقتی انجمنی تأسیس می‌شود، بلافاصله به نقطه اوج خود برسد. اما فکر می‌کنم ما تا جایی که امکان داشت، توانستیم به این‌انجمن هویت دهیم و پناهگاه و مرجعی برای روزنامه‌نگاران باشیم. یعنی روزنامه‌نگاران حس می‌کنند محلی وجود دارد که از منافع آنها دفاع می‌کند و مشکلات احتمالی آنان را در حد مقدور پیگیری و اگر اختلافاتی پیدا شد، آن را مدیریت و حل می‌کند و اگر هم بتواند، خدماتی را به آنها ارائه می‌دهد. بنابراین بر این باورم تا حد امکان کار خود را با موفقیت انجام داده‌ایم و امیدوارم با مشارکت روزنامه‌نگاران بتوانیم به این فرآیند ادامه دهیم. در حال حاضر هم مشغول انجام گفت‌وگوهای سازنده با بخش‌های گوناگون دولت برای تأمین نیازهای صنف هستیم. مثلاً مشارکتی که نماینده انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران در شورای‌عالی‌ای قانون‌های عالی صنفی رسانه‌ای و هنری انجام داد و بعضی اقدامات درباره بیمه روزنامه‌نگاران نتیجه این رایزنی‌ها بود. در دو سال گذشته سعی کرده‌ایم در حد توانمان به مسائلی که از سوی روزنامه‌نگاران به ما ارجاع داده شده است، رسیدگی کنیم و از این‌نظر در حد توانمان موفق بوده‌ایم. اما این همه آنچه‌ه مدنظر انجمن بوده است، نیست. اولاً باید مدتی بگذرد تا کار انجمن مگر امکان دارد حاکمیت بتواند انجمن‌های صنفی را نادیده بگیرد؟ همه باید یاد بگیریم که با هم کار کنیم. ضمن اینکه مرزهای اعتقادی و انتقادی و ارزیابی‌هایمان هم با یکدیگر کاملاً مشخص و روشن است». او همچنین درباره وضعیت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران گفت: «امیدواریم این انجمن هر چه سریع‌تر ظرف پلمب شود. به نظر من این امکان وجود دارد که انجمن بتواند از نظر قانونی مسائل خود را حل کند و به شرایط ثابتی برسد. ما هم در تلاشیم چنین شود».

عجایب غریب

جلوی این‌ خانه تظاهراتی نمادین راه می‌اندازد. همچنین ایستای گزارشی از سایت ریچست منتشر کرده که برخی از گران‌ترین پنت‌هاوس‌های جهان در گوشه‌وکنار جهان را معرفی کرده است. در میامی آمریکا پنت‌هاوسی در مجتمعی که معمار معروف جهان، زاه‌ا حدید، آن را طراحی کرده دارای منظره خیره‌کننده‌ای از شهر میامی است و هر واحد آن به طور متوسط ۴۹ میلیون دلار قیمت خورده است. واحدها دارای پنج اتاق خواب و شش سرویس بهداشتی و حمام هستند.

از هیتلر تا زاه‌ا حدید

خانه‌های عجیب‌وغریبی در گوشه‌وکنار جهان هست. دلی‌میور از قیمت جدید خانه هیتلر خبر داده و قرار است به حکم دادگاه دولت اتریش خانه‌ای را که هیتلر در آن به دنیا آمده تصرف کرده و به مالک آن ۷۴۵ هزار پوند داده شود. آنها می‌خواهند مطمئن شوند که این خانه تبدیل به «معبد نازی‌ها» نخواهد شد. دادگاه ابتدا قیمت ۱،۳۸۰ میلیون پوند را پیشنهاد داد، اما بعداً پیشنهاد خود را پس گرفت. هر سال فعالان ضدفاشیست

آینه‌های محدب * ۳/

سلام سید



✎ **احمد طالبی‌نژاد**

• نگاهی عمیق و فلسفی به باره‌ای مسائل فرهنگی، هنری، اقتصادی، اجتماعی و با احتیاط، سیاسی! به‌تازگی در نظرخواهی دهه به دهه مجله فیلم از منتقدان و نویسندگان سینمایی، فیلم «گوزن‌ها» ساخته تحسین‌برانگیز مسعود کیمیایی، مقام نخست را از آن خود کرد و باعث سینمایی و مطبوعاتی شد و این در حالی است که در دوره‌های پیشین معمولاً فیلم «گاو» این مقام را از آن خود می‌کرد. اینک‌ه این دو فیلم چه مشترکات و تفاوت‌هایی با هم دارند و آیا هم‌سنگ هستند یا نه، مهم نیست. مهم این است که در بهار ۱۳۹۸ شمسی، نسلی از منتقدان فیلم گوزن‌ها را بر گاو ترجیح داده‌اند. آیا به این دلیل است که نسل جدید فیلم گاو را کمتر دیده‌اند و با ارزش‌های کتمان‌ناشدنی‌اش بیگانه‌اند؟ یا اینکه سلیقه‌ها عوض شده و یک فیلم اجتماعی و انتقادی را بر اثری با گرایش‌های فلسفی ترجیح داده‌اند؟ البته این انتخاب میان دو یا سه نسل از نویسندگان و منتقدان صورت گرفته است. بنابراین اتهامی متوجه یک نسل نیست که نقد اجتماعی را بر خردورزی ترجیح داده است. اما می‌شود برای این اتفاق دلایل دیگری هم برشمرد؛ اینکه فیلم گوزن‌ها با وجود گذشت چهل و اندی سال از زمان ساخته‌شدنش، همچنان جذابیت‌های عوام و خواص‌پسندانه‌اش را حفظ کرده است و به لحاظ نزدیکی با وضعیت آشفتنه جامعه و گسترش مصائبی همچون اعتیاد، موضوعیت بیشتری در این روزگار پیدا کرده و از نظر عاطفی هم فیلم تاثیرگذاری است. هم‌نسلان بنده یادشان هست که از نیمه دوم دهه ۱۳۵۰، نوعی کردار اعتراضی در جامعه شکل گرفت که دامنه‌اش به سینما، تئاتر، موسیقی، ادبیات و دیگر عرصه‌ها هم کشیده شد. این در واقع یک جور دهن‌کجی به پیشرفت‌های ظاهری و مدرنیسم جاعلانه‌ای بود که در کوی و برزن و رسانه‌ها خود را به رخ می‌کشید. آثار اجتماعی به‌ویژه فیلم گوزن‌ها با نمایش وضعیت اسفبار بیچارگان، تهیدستان و حاشیه‌نشینان جامعه، از روی سکه تمدن بزرگ را برملا می‌کرد. فیلم پس از نمایش در جشنواره جهانی فیلم تهران، به محاق رفت و برای نمایش عمومی سکانس واپسینش بازسازی و تعدیل شد که به روایت احمد نجفی، یار غار آن روزگار کیمیایی، کارگردانی این سکانس را عبدالله غیبی، دستیار کیمیایی، انجام داده است. از سوی دیگر، یکی دیگر از عوامل این انتخاب شاید به موقعیت بازیگر اصلی فیلم یعنی بهروز وثوقی برگردد. در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای برگرداندن او صورت گرفته که متأسفانه نتیجه‌ای هم به همراه نداشته است. از بهروز غریب‌پور گرفته که هفت هشت ده سال پیش تلاش کرد او را برای بازی در یک فیلم که معلوم هم نبود چی هست به ایران بیاورد که با مخالفت روبه‌رو شد. سال گذشته هم یک کمپین با همین موضوع در فضای مجازی به راه افتاد که آن هم به جایی نرسید. همه این ممانعت‌ها باعث محبوبیت و بگویم مظلومیت بیشتر این به‌راستی ستاره سینما شد. بنابراین به قول لعلما، این پارامتر را هم باید در این گزینش لحاظ کرد. اگر مثلاً جواد طوسی در نقش سلیولیت رأی‌گیری را بر عهده می‌داشت، ممکن بود این شائبه به وجود آید که شوق تعصب‌آمیز طوسی به کیمیایی باعث انتخاب گوزن‌ها شده است. خوشبختانه شهرام جعفری‌نژاد، فقط به یک سینماگر چنین گرایش متعصبانه‌ای دارد و آن هم بهرام بضایی است. درباره بقیه، بی‌طرفانه عمل می‌کنند. می‌ماند فیلم گاو که در این رأی‌گیری مقام اولی‌اش را از دست داد. یکی از دلایل شاید موفق‌نبودن چند فیلم اخیر-مهرجویی باشد که برخی را از او مایوس کرده است. ولی این برخی‌ها باید یادشان باشد که اگر در تاریخ سینمای ایران ۱۰ فیلم درجه یک بتواند فهرست کرد، چهار، پنج تایش اثر مهرجویی است. این بی‌حرمتی‌ها و ناخبردی‌هایی که در سال‌های اخیر از سوی برخی آثار مهرجویی شده، توهین آشکاری به تاریخ سینمای ایران است. البته خودش هم در این جاعبه بی‌تقصیر نیست که گفته‌اند حرمت امام‌زاده را متولی نمی‌کند می‌دارد.

مهرجویی می‌توانست این دو، سه فیلم اخیرش را نسازد. از گشتن‌گی نمی‌درد که؛ کم‌اینکه پس از فیلم ناموفق «اشباح» فیلمی نساخته و اتفاقی هم نیفتاده است. در ضمن یادمان باشد در یکی، دو دهه پیش که این بازی (رای‌گیری دهه‌ای) به مدیریت بهژاد رحیمیان صورت گرفت، فیلم ریزو براوو ساخته هاوارد هاکز که یک وسترن کلاسیک است، جای همشهری کین «اورسن ولز» را گرفت و در صدر جدول نشست و می‌دانیم همشهری کین تاثیرگذارترین فیلم تاریخ سینما بر شیوه‌های روایت در سینما و حتی ادبیات بوده است ولی رحیمیان عشق وسترن و کار کرد که این فیلم در صدر جدول قرار گیرد. بنابراین نفس این بازی را باید نوعی «فان» تلقی کرد و نه صدور حکم قطعی درباره فیلم‌ها که نیامی بزرگ فرموده است: «آن که غریبال در دست دارد از عقب کاروان می‌آید».